

# کتاب اقتصاد برای همه

علی سرزعی

فصل دوم: سیاست‌های پولی

خلاصه شده توسط امین آرامش



از صفحه ۴۱ تا ۷۴

این خلاصه، نکاتی است که به نظر من از سایر مطالب کتاب مهمتر بودند و به هیچ وجه شما را از خواندن کل کتاب بی‌نیاز نخواهد کرد و صرفاً می‌تواند به عنوان یادآور بعد از خواندن کتاب مورد استفاده قرار گیرد.

برخی تداعی‌های ذهنی را در پانویس نوشته‌ام.



abcBourse.ir



@abcBourse\_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

چهار بازار اقتصاد: بازار محصول (کالا و خدمات)؛ بازار پول؛ بازار کار؛ بازار سرمایه

دو مرجع اصلی سیاست‌گذاری کلان اقتصادی

- بانک مرکزی: تنظیم سیاست‌های پولی
- وزارت اقتصاد و دارایی و نهادهای مشابه: تنظیم سیاست‌های مالی (نهادهای مشابه همچون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (سیاست مالی)، وزارت بازرگانی (سیاست تجاری) و وزارت صنعت (سیاست صنعتی))

هدف بانک مرکزی: ایجاد ثبات (قیمت‌ها) در اقتصاد، مدیریت نوسانات اقتصادی به عنوان هدف دوم، تورم عامل بی‌ثباتی اقتصاد است و مبارزه با آن وظیفه بانک مرکزی است.

بودجه ریزی توسط وزارت اقتصاد و دارایی یا نهادهای مشابه (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) صورت می‌گیرد.

## نرخ بهره

نرخ بهره مزد صبری است که وام‌دهنده بابت عدم استفاده از پول خود به خرج داده است. نرخ بهره جبران هزینه فرصت سرمایه را می‌کند. بهره قیمت سرمایه مالی است و در اقتصاد مدرن بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. تولیدکنندگان به سرمایه مالی نیاز دارند. عرضه سرمایه از محل پس‌انداز و تقاضای آن از سمت تولیدکنندگان و تابع فضای کسب و کار است، در صورت رکود، تمایل به تولید کم و نرخ بهره کم خواهد بود.

مبلغ وام داده شده نهایتاً به شکل پس‌انداز در می‌آید.

## قیمت تعادلی سرمایه

متغیر درونزا: توسط خود سیستم تعیین می‌شود و در اختیار سیاست‌گذار نیست.

متغیر برونزا: توسط سیاست‌گذار تعیین می‌شود، مثل ارقام بودجه.

نتیجه طبیعی اقدام دستوری در نرخ بهره، تشکیل بازار سیاه است که به دلیل مشقات بازار سیاه و ریسک‌های مربوطه نرخی بالاتر از نرخ تعادلی خواهد داشت. نرخ بهره واقعی جایی بین نرخ بهره رسمی و آزاد است. غیرواقعی بودن نرخ بهره رسمی، منجر به تسویه بازارها در بخش غیررسمی می‌شود.

## نرخ بهره واقعی و اسمی

تفاضل نرخ بهره اسمی و تورم، نرخ بهره واقعی است. برای سالها و خصوصا در نبود بانکهای خصوصی و پایین بودن دستوری نرخ بهره اسمی، با وجود تورم، نرخ بهره واقعی منفی بوده است. بدون در نظر گرفتن تورم، حرف زدن در مورد نرخ بهره، بی‌معنی است.



پایین بودن نرخ بهره همیشه هم معنای خوبی ندارد، نرخ بهره صفر در ژاپن (که بهره تعادلی ناشی از عرضه و تقاضا بود) نشان از منفی بودن تورم بود که یک پدیده مذموم است.

## تفاوت نرخ بهره داخل و خارج

تفاوت نرخ بهره در ایران و کشورهای توسعه یافته:

- در آن کشورها به دلیل توسعه یافته و رقابتی بودن، هزینه‌های واسطه‌گری پایین است.<sup>۱</sup>
- هزینه پیگیری وام‌های برگشت داده نشده در ایران به دلیل نبود موسسات اعتبارسنجی و همچنین هزینه بالای سیستم قضایی بالاست و طبیعتاً ریسک وام دادن در ایران بالاست.
- نرخ تورم در ایران بالاست.
- نبود ارتباط با نظام بانکی بین المللی در ایران. پیش‌بینی همگرا شدن نرخ بهره داخل و خارج در صورت وجود این ارتباط

## نقش نظام بانکی در اقتصاد (۱)

لزوم در اختیار قرار دادن پس انداز برخی افراد به دیگران:

- ۱- کم بودن سرمایه بعضی از افراد و لزوم تجمع آنها برای بکار آمدن در تولید
- ۲- توانایی بعضی از افراد در راه اندازی کسب و کار و معقول بودن در اختیار قرار دادن سرمایه شخصی به آنها
- ۳- تفاوت ریسک‌پذیری در افراد، برخی به سود کم و ریسک کم راضی‌اند و برخی نه

بانک حلقه اتصال فرد دارای سرمایه و فرد نیازمند سرمایه است. ضرورت وجود بانک:

- ۱- در نبود بانک ممکن است شما به عنوان سرمایه دار، فرد مناسب را پیدا نکنید. نرخ واسطه‌گری بانک اختلاف بین سود سپرده‌ها و بهره تسهیلات بانکی است.
- ۲- بانک به عنوان مرجع تخصصی بررسی کننده سودآور بودن سرمایه‌گذاری‌ها
- ۳- بانک به عنوان مرجع جلوگیری از کلاهبرداری توسط وام گیرندگان
- ۴- بانک به عنوان مرجع پایش هزینه‌کرد درست سرمایه (سرشکن شدن هزینه این پیگیری روی تعداد)
- ۵- اداره حقوقی بانک پیگیری وام‌های پس داده نشده (هزینه پیگیری برای یک فرد در نبود بانک بالاست)

ریسک‌گریزترین افراد پس‌اندازهای خود را به بانک می‌دهند. بانک ابزاری در جهت تجهیز منابع مالی بنگاه‌های تولیدی و حمایت از پس‌انداز اقشار ضعیف و کم درآمد.

در صورت بالا بودن نرخ بهره تسهیلات و وجود متقاضی برای دریافت آنها، حتماً محلی برای سرمایه‌گذاری این تسهیلات هست و به همین دلیل نمی‌توان در هر حالتی گفت که سود سپرده‌ها بالاست. در صورتی که متقاضی وامی نباشد و بانک سود سپرده بالایی

<sup>۱</sup> همانند

بدهد، حتما ورشکسته خواهد شد، پس ورشکسته نشدنش نشان از استفاده منابع در جایی از جامعه است که بهره وام‌ها را برمی‌گرداند.<sup>۲</sup>

رقابتی بودن بانکداری منجر به کارایی بیشتر بانک‌ها، واسطه‌گری بهتر و حمایت قوی از سرمایه‌گذاران خواهد شد. ایجاد شبکه بانکی قوی و بازار مالی توسعه‌یافته از مهم‌ترین پیش شرط‌های توسعه اقتصادی است.

## نظام بانکی در ایران

منفی بودن سود واقعی سپرده‌های برای سال‌ها، منجر به متضرر شدن اقشار کم درآمد و آسیب‌پذیر شده بود. الزام صندوق‌های بازنشستگی به قرار دادن وجوه در بانک‌ها نیز منجر به ورشکستگی این صندوق‌ها در عمل شده است.<sup>۳</sup>

حرکت به سمت کالاهای سرمایه‌ای و خرید جهیزیه از سال‌ها قبل بجای قرار دادن سرمایه در بانک، نتیجه طبیعی منفی بودن نرخ سود سپرده بوده است. پیامد نامطلوب این افزایش تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای بخشی از تورم گذشته را توجیه می‌کند. افزون بر این، هزینه مبادله و تبدیل کالاهای سرمایه‌ای به نقدینگی، بر دوش مردم خواهد بود که گریزی از آن نداشته‌اند. پیامد بدتر آن روند، عدم تجهیز منابع مالی جامعه بوده است. پیامد دیگر نرخ سود پایین توسعه بازار سیاه خواهد بود. ایجاد موسسات مالی و اعتباری غیررسمی در دهه ۶۰ و ۷۰ هم نتیجه طبیعی این روند بوده است.

در این شرایط هرکس وامی بگیرد و کالای سرمایه‌ای بخرد، بدون زحمت، صاحب سودی معادل تفاضل نرخ بهره اسمی و تورم خواهد شد. نام درست این سود رانت است.<sup>۴</sup> سرچشمه بسیاری از فسادهای بزرگ اقتصادی همین نرخ بهره است. ریشه وجود فساد، پارتی‌بازی و رشوه‌دهی را باید در منفی بودن نرخ بهره واقعی جستجو کرد.

دولت در ایران منابع موجود در شبکه بانکی<sup>۵</sup> را عملاً منابع خود قلمداد می‌کند و تعیین تکلیف برای بانک‌ها درباره نحوه هزینه‌کرد منابعشان را حق خود می‌داند. عدم استقلال شبکه بانکی از دولت منجر به حاتم‌بخشی منابع بانکی - تحت عنوان تسهیلات تکلیفی - برای فعالیت‌های کم‌بازده، راکد یا ورشکسته شده است.

<sup>۲</sup> البته بنظر می‌رسد این توضیحات منوط به حالتی است که پایش تسهیلات پرداختی به درستی انجام شده، والا در شرایطی که بازار تولید در کشور در وضعیت رکود به سر می‌برد و همچنان سود سپرده‌ها و بهره وام‌ها بالاست، حتما وام‌ها در جایی غیر از تولید خرج می‌شوند و حتی با پایین آوردن بهره وام‌ها باز هم سرمایه‌های افراد وام‌گیرنده به سمت تولید نخواهد رفت (چون روش بهتری برای کسب سود بیشتر برایشان وجود دارد) و تنها درآمد افراد ضعیف که ریسک‌پذیری استفاده از سرمایه‌شان در تولید را ندارند کاهش می‌یابد. البته امکان حرکت این سرمایه‌های خرد به سمت بازارهای کم‌ریسک همچون مسکن، ارز و طلا نیز وجود دارد. در هر صورت پایین آوردن دستوری نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات کمکی به تولید نخواهد کرد. به نظر می‌رسد بررسی راه‌هایی که در شرایط رکود اقتصادی و بالا بودن نرخ بهره بانک‌ها، باز هم برای عده‌ای وام گرفتن صرفه دارد، گزینه بهتری است.

<sup>۳</sup> همچون بسیاری دیگر از بخش‌ها، وجود درآمدهای نفتی برای سال‌ها سرپوشی بر این ناکارآمدی بوده، غافل از اینکه این ارث پدری روزی به پایان خواهد رسید.

<sup>۴</sup> البته این تنها در شرایطی است که کالاهای سرمایه‌ای تنها به اندازه تورم رشد قیمت داشته باشند، در مواردی همچون مسکن که در سال‌های گذشته افزایشی بعضاً بیش از تورم هم داشته، میزان منفعت کسی که وام بانکی گرفته و مسکن خریده بسیار بیشتر بوده است. منطقی‌ترین تاکید بسیار زیاد پدران ما بر تهیه خانه با گرفتن انواع وام‌ها وجود همین روند بوده است. یک نتیجه طبیعی دیگر این روند، عدم علاقه مردم به سرمایه‌گذاری در بخش تولید است، چون تنها با داشتن یک آشنا در سیستم بانکی و اخذ وام با بهره کم و تبدیل آن به مسکن، بدون زحمت، صاحب سرمایه‌های کلان شده‌اند. کسب درآمد بدون

## ارزیابی بهره به عنوان مکانیسم گزینش

این سوال که «بانکها باید به چه کسانی تسهیلات اعطا کنند؟» فی‌نفسه دارای اشکال است، در صورت وجود نرخ بهره تعادلی تنها کسانی آن را اخذ خواهند کرد که لیاقتش را دارند. این سوال مشابه این است که پیرسیم «مغازه‌دار باید جنسش را به چه کسی بفروشد؟». در هر دو حالت غیرمنطقی است که از ارائه دهنده بخواهیم محصولش را به نرخ کمتر از قیمت بازار بفروشد.

غیررقابتی بودن بانکها هم از دیگر مشکلات بانکداری ایران است، امری که حتی با وجود بانکداری خصوصی، به دلیل نبود منع قانونی برای تباری هنوز هم میسر نشده است.

ملاک تشخیص خوب یا بد بودن سرمایه‌گذاری، نرخ بازده است. در این تعریف جایی بری زودبازدهی یا دیربازدهی وجود ندارد و تنها پربازدهی و کم‌بازدهی معنا دارد، ملاحظاتی زمان بازدهی خود را در نرخ بازدهی ظاهر می‌کند. سرمایه‌گذاری در محصولاتی که تقاضای بیشتر و عرضه کمتر دارند و یا ارائه یک روش بهتر برای تولید کالا یا خدمتی که الان عرضه می‌شود (به نحوی که منجر به هزینه تولید شود) بیشترین بازده را خواهند داشت که در هر دو صورت جامعه منتفع خواهد شد.

در صورت فشار دولت برای دادن وام به بخش‌های غیرضروری و کم‌بازده، تکنولوژی غیربهرینه بکار گرفته خواهد شد و نیازهای ضروری جامعه مرتفع نمی‌شود که در هر دو صورت جامعه متضرر خواهد شد. کارهای خوب در اقتصاد زیاد است، باید خوبترین انجام شود.<sup>۶</sup>

اگر نرخ بهره خیلی بالا باشد، تنها کسانی متقاضی می‌شوند که ریسک بالایی را در نظر گرفته‌اند و در صورت شکست خوردن پروژه و عدم توانایی برگشت وام، بانک متضرر خواهد شد. بنابراین بانکها با استفاده از کارشناسان خود برای گزینش متقاضیان وام توانایی پرداخت بهره را هم در نظر می‌گیرند.

## نقش بانک مرکزی در اقتصاد (۱)

بانک مرکزی برای جلوگیری از رفتار غیرمسئولانه بانکها ایجاد شده، تا کل جامعه هزینه عملکرد بد مسئولین بانک را نپردازد. اثرات منفی ورشکستگی یک بانک را شاید بشود کنترل کرد، اما معمولاً مشکلات به سایر بانکها هم سرایت می‌کند.

رفتار نامناسب بانکهای آمریکا در بخش مسکن در سال ۲۰۰۷ یکی از موارد عملکرد بد بانکهاست که ضرر آن را کل مالیات-دهندگان دادند، یعنی دولت مجبور شد از جیب جامعه، خطا و آزمندی بیش از حد مسئولین بانکی را جبران کند. بانک مرکزی آمریکا باید پیشاپیش نسبت به رفتار ریسکی بانکها هشدار می‌داد.

<sup>۵</sup> یعنی پس اندازه‌های مردم

<sup>۶</sup> اینجا هم یکی دیگر از مواردی است که سوراخ دعا را گم کرده‌ایم. موتور محرک دانش‌بنیان شدن کسب و کارها و تامین نیازهای جامعه، توصیه به این امور نیست، بلکه فراهم کردن شرایطی است که کسب و کارهای ناکارآمد از اقتصاد حذف شوند. این حذف شدن ممکن است در کوتاه مدت دردناک باشد ولی

در صورت وجود احتمال ورشکستگی بانک‌ها و هجوم مردم برای دریافت پولهایشان، به دلیل عدم توانایی بانک‌ها در پرداخت تمامی وجوه، واقعا ورشکسته خواهند شد.<sup>۷</sup>

در ایران سابقه ورشکستگی بانک‌ها نبوده، اما باید اذعان داشت پدیده ورشکستگی بانک‌ها پدیده‌ای جدی و بسیار محتمل در تاریخ بانکداری است. خصوصا در قرن ۱۹ که بانک مرکزی وجود نداشت این ورشکستگی‌ها بیشتر بود. فلسفه وجودی بانک مرکزی فنی بودن این کار و و به صرفه نبودن این نظارت توسط مردم است.

## سیاست افزایش یا کاهش نرخ بهره

در بسیاری از کشورها، بانک مرکزی با تغییر «غیرمستقیم» نرخ بهره، به «رونق تولید و خروج از رکود» یا «جلوگیری از رشد بیش از توان اقتصاد و فشارهای تورمی ناشی از آن» می‌پردازد. این عملیات توسط عملیات بازار باز یعنی خرید و فروش اوراق قرضه انجام می‌گیرد.

با خرید اوراق قرضه از مردم و افزایش پول در جامعه (و افزایش عرض سرمایه)، قیمت پول یعنی بهره بانکی کاهش می‌یابد و شرایط برای تولید بهتر می‌شود. در شرایطی که اقتصاد بیش از ظرفیتش رشد کند، فشارهای تورمی محتمل است<sup>۸</sup>، با فروش اوراق قرضه و کاهش پول نزد مردم، قیمت پول افزایش یعنی نرخ بهره افزایش می‌یابد و در نتیجه از رشد بیش از ظرفیت اقتصاد جلوگیری می‌شود.<sup>۹</sup> بنابراین نرخ بهره تابعی از وضعیت اقتصاد است.

در ایران نرخ بهره مستقل از وضعیت اقتصاد است و دستوری تعیین می‌شود، در حالی که همچون دیگر متغیرهای اقتصادی باید با مکانیسم بازار مشخص شود. با توجه به تصور غیرشرعی بودن بهره، همواره یک سوگیری برای کاهش آن وجود دارد، چون هرچه کمتر باشد، از میزان غیرشرعی بودن آن کاسته می‌شود. دلایل موافقان کاهش نرخ بهره:

۱- شبکه بانکی باید در خدمت تولید باشد.

<sup>۷</sup> مشابه این روند در سالهای اخیر در مورد شرکت پدیده صورت گرفت، به دلیل پیگیری تخلفات این شرکت توسط ارگانهای دولتی و شایعه نامناسب بودن پروژه، مردم برای دریافت سرمایه‌هایشان به این شرکت هجوم آوردند و به دلیل استفاده سرمایه‌ها در پروژه، شرکت توان بازگرداندن وجوه را نداشت. در حالی که مدیرعامل وقت پدیده بارها به مردم تذکر می‌داد که در صورت صبر مردم و مرتفع شدن تخلفات و آماده شدن پروژه اصل و سود سرمایه مردم پرداخت خواهد شد، ولی به دلیل عملکرد اشتباه مردم، اکنون (آذر ۹۵) که حدود دو سال از این بحران می‌گذرد، نه تنها حتی اصل پول مردم عودت داده نشده، بلکه پروژه نیز نیمه تعطیل شده است.

البته تخلفات مجموعه وقت پدیده در تعیین دستوری نرخ سهام و بالا بردن کاذب این رقم برای جذب سرمایه بیشتر، غیرقابل انکار است. مردم هم بدون داشتن اطلاعات اقتصادی و تنها به طمع سود بیشتر، هر روز سهام بیشتری با قیمت‌های دستوری می‌خریدند و شاهد رشد کاذب سرمایه‌شان بودند و البته پایان این قصه نیز برایشان ناخوشایند بود.

<sup>۸</sup> فرض کنید با وجود تولید زیاد یک محصول، مواد اولیه کافی برای آن وجود نداشته باشد، در این حالت طبیعتا آن مواد اولیه افزایش قیمت خواهد داشت و تورم ناشی از آن به کل اقتصاد تسری پیدا خواهد کرد.

<sup>۹</sup> البته

- پاسخ: اینکه یک نهاد باید در خدمت یک نهاد دیگر باشد با منطق اقتصاد بازار همخوانی ندارد. از زمان آدام اسمیت تاکنون این پدیده مطرح بوده که در اقتصاد بازار اگر هرکس به فکر منافع خود باشد، برآیند به نفع کل جامعه است. اگر بانک‌ها را بخاطر تقویت تولید تضعیف کنیم، در بلندمدت کارایی‌های خود را ندارند.
- ۲- نرخ بهره بانکی منجر به بالا رفتن هزینه تولید و تورم خواهد شد.
- پاسخ: بر اساس مطالعات بانک مرکزی ایران نرخ بهره تاثیر چندانی در هزینه‌های تولید ندارد و رونق مطلوب در بخش تولید بیشتر ناشی از ریسک‌های اقتصادی و نوسانات نرخ ارز است. تورم از تعامل عرضه و تقاضا بوجود می‌آید، بررسی نرخ تورم در هزینه تولید یک نگاه حسابدارانه در حد خرد است، اما تورم اساساً مقوله در سطح کلان اقتصادی است.
- ۳- با بالا بودن نرخ بهره، بسیاری از فعالیت‌های غیراقتصادی بوده و توانایی رقابت با رقبای خارجی را ندارد، در نتیجه سرمایه‌گذاری در آن حوزه‌ها کمتر شده و این به دلیل کاهش عرضه، منجر به افزایش تورم خواهد شد.
- پاسخ: ایجاد صنایع متکی به اقسام حمایت اشتباه است. افزایش تولید فی‌نفسه خوب نیست، تنها تولید سودآور و مبتنی بر واقعیات اقتصادی مطلوب است.
- ۴- با کاهش نرخ بهره و به طبع آن نرخ سود تسهیلات، افراد دست از راحت‌طلبی برداشته و انگیزه حضور در فعالیت‌های تولیدی بیشتر می‌شود.
- پاسخ: آیا به قیمت ضرر کردن سرمایه‌گذاران خرد (که پول در بانک گذاشته‌اند) باید وام کم‌بهره به تولیدکنندگان داد؟ درست است که مردم به دلیل امنیت بیشتر حتی با سود واقعی منفی، سپرده‌هایشان را در بانک می‌گذارند اما آیا این تنبیه، درست است؟ کاهش سود بانکی به ضرر اقسار آسیب‌پذیر و ریسک‌گریز است. ضمن آنکه با کاهش سود سپرده‌ها، سرمایه‌ها به سمت بازار بورس یا بازار مالی غیررسمی خواهد رفت.
- ۵- کاهش نرخ بهره منجر به کارا تر شدن بانک‌ها می‌کند.
- پاسخ: این اتفاق نخواهد افتاد، چون علاوه بر مبالغ زیادی که در ایران باید در اختیار بانک مرکزی بگذارند، تسهیلات تکلیفی باعث افزایش هزینه واسطه‌گری شده است.
- ۶- با پایین آوردن نرخ بهره رسمی، نرخ بهره غیررسمی و رباخواری کم می‌شود.
- پاسخ: اگر در بازار سیاه پولی وجود دارد، مهم‌ترین معنای آن پایین بودن نرخ بهره رسمی و غیرتعدالی بودن آن است. حال اگر نرخ بهره رسمی کمتر شود، تقاضا برای وام افزایش یافته و از طرفی با کاهش سود سپرده‌ها ورودی بانک هم کم می‌شود. افزایش تقاضای وام که توسط سیستم بانکی مرتفع نشده، متوجه بازار سیاه خواهد شد. بنابراین اگر بهره بازار سیاه افزایش نیابد، کاهش نخواهد یافت. حال اینکه با افزایش بهره و سود سپرده‌ها علاوه بر کاهش تقاضا برای وام، منابع تسهیلات هم زیاد می‌شود.
- ۷- تولیدکنندگان می‌گویند نرخ بالای بهره ضدتولید است و باید کم شود.
- پاسخ: طبیعتاً تولیدکنندگان هرچه وامشان کم‌بهره‌تر باشد، راضی‌ترند. آیا سرمایه‌ها معطل وام‌گیرنده مانده که بهره رو کم کنیم؟ کاهش نرخ بهره در حالی که همین الان هم کمتر از نرخ تعدالی است، در بهترین حالت این وام‌های کم‌بهره به کارخانه‌های رانتی تبدیل خواهد شد و در حالت دیگر دوباره با بهره بالاتر قرض داده خواهد شد یا زمین و کالا خریداری خواهد شد که مصداقی از پول‌های بادآورده است. نرخ بهره نباید دستوری باشد. معمولاً بانک مرکزی برای مشخص نشدن نرخ واقعی بهره، آن را دستوری مشخص می‌کند. این تعیین دستوری، تسلط صوری و کوتاه‌مدت فراهم می‌کند.

## ربا یا بهره

قانون بانکداری بدون ربا: بانکها بجای بهره وام، سود بگیرند، یعنی در سود و زیان سرمایه‌گذاری شریک شوند.

موافقین: عدم تعهد قلبی و اعتقادی مجریان باعث اجرا نشدن آن شده است.

مخالفین: غیراجرایی است.

افرادی که از منظر دینی می‌گویند فقط باید قرض الحسنه باشد: شاید بتوان در روابط شخصی و دوستانه به انگیزه‌های اخروی متکی شد، اما نمی‌توان نظام کلان را با این انگیزه‌ها اداره نمود. در ضمن هواداران نرخ بهره صفر باید توجیهی برای هزینه‌فرست پول‌های سپرده‌گذاری شده پیدا کنند.<sup>۱۰</sup>

کسی که در اقتصاد بازار ورشکسته می‌شود با کسی که در گذشته برای امرارمعاش روزانه مستاصل و ناچار به روآوردن به رباخواران می‌شده تفاوت ماهوی دارد.

اقتصاد بازار عرصه رقابت است، هرکس محاسبات بهتر و روش بهینه داشته باشد از رقبا جلو می‌افتد و کسی که خوب محاسبه نکرده باشد از رقبا عقب می‌افتد.<sup>۱۱</sup> این کنار گذاشتن در یک رقابت منصفانه به معنی ظالمانه بودن مکانیسم نیست. حتی اگر هم به دلیل محاسبه غلط درمانده شود، در خوراک روزمره نخواهد ماند و معنای ذلیل شدن در ادامه حیاتش نیست. در جوامع مدرن تامین اجتماعی حامی افراد فقیر است که در گذشته نبوده. در گذشته یک فعالیت به اندازه حال حاضر نیاز به سرمایه نداشته و بیشتر کارها به نیروی کار و تلاش بدنی وابسته بوده. امروزه سرمایه بسیار مهم است. مفهوم قرض دادن در طی زمان تغییر یافته و به سادگی نمی‌توان احکام ربا را در قرض دادن شخصی را به فعالیت‌های تکنولوژیک و گران‌قیمت امروز بسط داد.

امروزه برخی از فقها، پرداخت بهره برای جبران کاهش قدرت خرید در اثر تورم را مجاز می‌شمارند.

<sup>۱۰</sup> چرا دریافت کرایه از خانه جایز است و این کالا (خانه) چه فرقی با آن کالا (پول) دارد؟ البته در خانه هزینه‌های استهلاک خانه هم وجود دارد. اما آیا کرایه تنها همین مورد را پوشش میدهد یا بیشتر از آن است؟ آیا هزینه‌فرست عدم استفاده از خانه و کرایه دادن آن در میزان کرایه لحاظ نشده است؟ هزینه‌فرست آن کالا (پول) نباید در نظر گرفته شود؟ آیا همانطور که با گذشت یک سال و وجود تورم، هزینه‌فرست (کرایه) این کالا (خانه) افزایش می‌یابد، دریافت بدون افزایش سالانه هزینه‌فرست آن کالا (پول) جایز نیست؟

<sup>۱۱</sup> بسیاری از مظاهر تکنولوژی امروز که منجر به کیفیت زندگی آدمی شده از دل همین رقابت حاصل شده است. ضمناً به اندازه هر طرح موفق تعداد بسیار